

نویسنده : پیتر کوینیگ  
منبع و تاریخ نشر " گلوبال ریسرچ «2025-09-21».  
برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

## پایان نظم جهانی تک قطبی - یک تغییر تکتونیکی به دور از غرب

*The End of the Unipolar World Order-  
A Tectonic Shift Away from the West.*



**شی جین پینگ**، رئیس جمهور چین، در ژوئیه ۲۰۲۴، خطاب به رهبران کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای (SCO) و چند کشور دیگر در آستانه، قزاقستان، گفت: «هیچ کوه یا اقیانوسی نمی‌تواند بین مردمی که آرزوهای مشترکی دارند، فاصله بیندازد.»

زیاد دور نیست که بگوییم بیست و پنجمین اجلاس سازمان همکاری شانگهای (SCO) امسال در تیانجین، چین، از ۳۱ آگوست تا ۱ سپتامبر ۲۰۲۵، چشم‌انداز رئیس جمهور شی برای سال ۲۰۲۴ را - و حتی بیشتر از آن - محقق کرد. این اجلاس باعث تغییر ساختاری در نظم جهانی متعارف شد.

لیوبین، معاون وزیر امور خارجه چین، کمی قبل از اجلاس سازمان همکاری شانگهای، در یک کنفرانس خبری در پکن گفت که رویداد سازمان همکاری شانگهای ۲۰۲۵ «یکی از مهمترین رویدادهای دیپلماتیک رئیس دولت و دادگاه داخلی چین در سال جاری» خواهد بود.

هما‌نطور که اکونومیست می‌گوید، «یک واقعیت جدید در حال شکل‌گیری است.» «واقعیت جدید» ضد آمریکایی یا ضد غربی نیست؛ بلکه فقط آرمان‌های تک‌قطبی غربی را از جهان چندقطبی یا شاید بهتر بگوییم چند بلوکه‌ای که به تازگی ایجاد شده و در آن کشورها به دنبال همکاری مسالمت‌آمیز برای آینده‌ای مشترک با منافع مشترک هستند، جدا می‌کند.

سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۰۱ توسط چین، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه، تاجیکستان و ازبکستان تأسیس شد. امروزه این سازمان شامل ده کشور عضو با دفتر مرکزی در پکن است. علاوه بر اعضای بنیانگذار، هند، ایران، بلاروس و پاکستان نیز به اعضای این سازمان اضافه شده‌اند. اعضای سازمان همکاری شانگهای ۲۳٪ از تولید ناخالص داخلی جهان و ۴۳٪ از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند.

مقامات دولتی عالی‌رتبه میانمار، مصر، کامبوج، نپال، اندونزی، مالزی، مالدیو، ترکیه و همچنین کائو کیم هورن، دبیرکل اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا (آسه‌آن) و آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد، از دیگر شرکت‌کنندگان در این نشست بودند.

اجلاس امسال به وضوح سازمان همکاری شانگهای را به چراغ راهنمای جنوب جهان تبدیل کرد که شامل ۱۱ کشور بریکس می‌شود. به علاوه ۱۰ شریک بریکس، که در شانزدهمین اجلاس بریکس در کازان، روسیه، در اکتبر ۲۰۲۴ اضافه شدند.

در حالی که حتی آقای گوترش، دبیرکل سازمان ملل، دعوت شده بود - در حالی که سازمان ملل توسط ایالات متحده و غرب به طور کلی به عنوان سازمان جهانی در اردوگاه غرب در نظر گرفته می‌شد یا هنوز هم می‌شود (!) - رئیس جمهور ترامپ احساس کرد که توسط چین نادیده گرفته شده و از رویداد سازمان همکاری شانگهای در تیانجین که جهان را تغییر می‌داد، "کنار گذاشته شده" است.

بنابراین، ترامپ فرصتی در آخرین لحظه برای گذاشتن اثر خود بر جلسه اختراع کرد و از رئیس جمهور شی جین‌پینگ، به معنای واقعی کلمه در آستانه اجلاس سازمان همکاری شانگهای، برای "مذاکرات نظامی" دعوت کرد، یک تماس تلفنی بین دو وزیر دفاع (که در ایالات متحده اکنون وزیر جنگ نامیده می‌شود، زیرا وزارت دفاع توسط ترامپ به عنوان وزارت جنگ نامگذاری شده است).

وزارت امور خارجه چين اعلام كرد كه پكن اين پيشنهاد را رد كرد و دليل آن را "عدم درك متقابل بين دو کشور" عنوان كرد و يك سوال مرتبط پرسيد: "

## آيا هيچ صداقت و اهميتي در چنين ارتباطي وجود دارد؟"

البته كه نه. ترامپ فقط ميخواست در اجلاس سازمان همكاري شانگهاي دخالت كند و سر امپراتور خودخواندهاش را نشان دهد. اما فايدهاي نداشت. غرب غايب بود - «امپراتور برهنه» و همچنين عروسكهاي اروپايي اش، اتحاديه اروپا (تقريباً) از بين رفته، و به ويژه كميسيون اروپا (EC) غير منتخب و هر بار بيشتري رده شده. تصور كنيد كه تنها چند هفته قبل، هيئتي از كميسيون اروپا شامل كاجا كالاس، نماينده عالي كميسيون در امور خارجه، يا به اصطلاح ديپلمات ارشد كميسيون، براي بحث در مورد تعرفهها به پكن سفر كردند، اما از طرف ديگر، آنها تلويحاً ميگفتند كه چين بايد از روسيه فاصله بگيرد

. اين همه تجاوز، چه رسد به تفكر و عمل غير ديپلماتيك - مانند اينكه در داخل کشور پول ماليات دهندگان را صرف برنامههاي اجتماعي ميكنند، به جاي اينكه آن را صرف تسليحاتي عظيم براي جنگ عليه روسيه كنند - تجاوز و فلسفه جنگي كه تنها مي تواند به سقوط اتحاديه اروپا منجر شود، اتحاديهاي كه روز به روز در حال تشديد است.

براي افزودن توهين به اين زخم، رهبر نمادين اتحاديه اروپا، آلمان، فريدريش مريتز، صدار اعظم آلمان، اخيراً گفت: "پوتين يك جنايتكار جنگي است. او شايد جدي ترين جنايتكار جنگي زمان ما باشد كه در مقياس بزرگ ديدهايم. ما بايد در مورد نحوه برخورد با جنايتكاران جنگي شفاف باشيم: جايي براي مدارا وجود ندارد."

زمان آن رسيده است كه جهان واقعي، جنوب جهاني، از جنگ طلبان و جنگ آفرينان غربي فاصله بگيرد. اين اتفاق تازه با بيست و پنجمين اجلاس سازمان همكاري شانگهاي در حال رخ دادن است - بيداري جديدي براي صلح، همكاري و با هم بودن در رويح تلاش براي آيندهاي با منافع مشترك. آيندهاي با منافع مشترك، با استانداردها و اصول اقتصادي غرب كه از سال ۱۹۸۹ به دنبال اجماع واشنگتن، توافقي ناگفته بين سه نهاد مالي قدرتمند غربي، فدرال رزرو، صندوق بين المللي پول (IMF) و بانك جهاني، براي «مطبيع» كردن «جهان نوظهور و در حال توسعه» با بدهي، به منظور تصاحب منابع طبيعي آنها، امكان پذير نيست.

اين عدم تعادل از كنفرانس برتون وودز در سال ۱۹۴۴ آغاز شد كه طی آن بانك جهاني و صندوق بين المللي پول ايجاد شدند، دو نهادي كه تحت سلطه وتوي واشنگتن بودند و هنوز هم هستند. برابري و توسعه اقتصادي واقعي تحت اين شرايط هيچ شانسي نداشته و تاكنون هم ندارد. در عوض، اين استثمار سوء استفاده گرانه و نئوكلونياليسم است.

تصمیم سازمان همکاری شانگهای در اجلاس خود برای ایجاد بانک توسعه سازمان همکاری شانگهای، نویدبخش آینده‌ای جدید از اتحاد و همکاری است. این بانک کاملاً با بانک زیرساخت و سرمایه‌گذاری آسیایی چین (AIIB) مطابقت دارد. این نشانه‌ی روشنی از رهایی از نهادهای مالی نئولیبرال غربی است که با سوءاستفاده از «توسعه‌ی اجتماعی-اقتصادی» امرار معاش می‌کنند، به جای اینکه آن را ارتقا دهند.



نارندرا مودی به همراه ولادیمیر پوتین و شی جین پینگ.

آنها با هم و شاید با یک بانک توسعه جدید بریکس که به تازگی تأسیس شده است، به کشورهای جنوب جهان اجازه خواهند داد تا مطابق با شرایط حاکمیتی و مستقل خود تکامل و رشد کنند و به جای یک سیستم تعرفه‌ای «محا فظتی» منزوی‌کننده - به سبک ترامپ - از مزایای نسبی خود برای معامله و تجارت با یکدیگر - بدون تعرفه - استفاده کنند بدون درگیری، بلکه با همکاری.

### همچنین به این مطلب مراجعه کنید.

این اجلاس سازمان همکاری شانگهای یک رویداد تجاوز به سبک غربی «اراده‌گرایان» نبود، بلکه یک تغییر جهت‌گیری نظم جهانی به ابتکار چین بود که در آن اهداف بلندمدت توسط رهبران واقعی که به اندازه کافی تجاوزها، جنگ‌ها و ویرانی‌های دیکته شده توسط غرب را دیده و زندگی کرده بودند، پیش بینی شده بود، اما در عوض صلح و همکاری را انتخاب کردند - و به نظر می‌رسد که ممکن است موفق شوند.

رئیس جمهور شی در سخنرانی افتتاحیه خود این نکته را روشن کرد:

« بشریت دوباره با انتخاب صلح یا جنگ، گفتگو یا رویارویی، و نتایج برد-برد؛ یا بازی‌های با حاصل جمع صفر مواجه است.»

این امر به وضوح شکاف فزاینده‌ای بین شرق و غرب ایجاد می‌کند. اولی‌ها به دنبال توسعه سازنده صلح‌آمیز هستند، در حالی که دومی‌ها هنوز به مدل اقتصادی مخرب، جنگ‌ها و کشتار خود برای یک مجتمع نظامی رو به رشد و یک دنیای فناوری چسبیده‌اند که با دستور کار فرانسای سازی و نابودی بشریت همراه است. اجلاس بسیار موفق سازمان همکاری‌های شانگهای در تیانجین عمداً درست قبل از رژه بزرگ نظامی چین در میدان تیان‌آن‌من، به مناسبت هشتادمین سالگرد پایان جنگ جهانی دوم، برگزار شد. این اوج یک «نظم جهانی» جدید، نظم جهانی صلح بود - که به غرب، در سکوت اما به وضوح، نشان می‌داد که دوران جدیدی در شرف آغاز است.

تصویر حضور شی جین‌پینگ از چین؛ ولادیمیر پوتین از روسیه؛ نارندرا مودی از هند؛ مسعود پزشکیان از ایران؛ و کیم جونگ اون از کره شمالی، در کنار هم، گویای همه چیز است. آنها یک پایگاه قدرت جدید را تجسم می‌بخشند - قدرت برای صلح و برای یک نظم جهانی جدید با آینده‌ای مشترک با منافع مشترک.



عکس خانوادگی اعضای سازمان همکاری‌های شانگهای « GODL - هند »

## سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

پیتر کونینگ، تحلیلگر ژئوپلیتیک، نویسنده‌ی ثابت مجله‌ی گلوبال ریسرچ و اقتصاددان سابق بانک جهانی و سازمان بهداشت جهانی (WHO) است که بیش از 30 سال در سراسر جهان در این دو سازمان کار کرده است. او نویسنده‌ی کتاب «انفجار از درون - یک تریلر اقتصادی درباره‌ی جنگ، تخریب محیط زیست و طمع شرکت‌ها» و یکی از نویسندگان کتاب «وقتی چین عطسه می‌کند: از قرنطینه‌ی کرونا تا بحران سیاسی - اقتصادی جهانی» نوشته‌ی سینتیا مک‌کینی (انتشارات کلاریتی - 1 نوامبر 2020) است. پیتر،

پژوهشگر همکار مرکز تحقیقات جهانی شدن (CRG) است. او همچنین عضو  
ارشد غیرمقیم موسسه‌ی چونگیانگ دانشگاه رنمین پکن است.

----- با تقدیم احترام «2025-09-22»